

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

Vision 3 : (L 1)

1. appreciation قدردانی - فهم - درک	16. terrible وحشتناک - بسیار بد
2. lower کم کردن	17. take temperature گرفتن درجه حرارت
3. blood pressure فشار خون	18. guess حدس زدن
4. boost افزایش دادن	19. receive دریافت کردن
5. strength قدرت	20. go abroad به خارج رفتن
6. successful موفق	21. found تأسیس کردن
7. advice نصیحت	22. generous بخشنده
8. device وسیله	23. spare no pain از هیچ تلاشی کم نگذاشتن
9. improve بهبتر شدن - بهتر کردن	24. cure معالجه کردن
10. take care of مراقبت کردن از	25. helpful مفید
11. increase افزایش یافتن - افزایش دادن	26. not surprisingly جای تعجب نیست
12. function نقش - کارکرد	27. regard ملاحظه کردن - در نظر گرفتن
13. respect احترام - احترام گذاشتن	28. dedicated مشتاق - علاقه مند
14. donate هدا کردن	29. It is pity حیف...
15. catch a flu آنفلوآنزا گرفتن	30. distinguished سرشناس - مشهور

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

31. disease بیماری	48. care for مراقبت کردن از
32. By the way راستی!	49. generation تولید - نسل
33. interesting جالب	50. strategy راهکار - برنامه
34. interested علاقه مند	51. provide فراهم کردن
35. shout فریاد زدن	52. common رایج - مشترک
36. hard of hearing کم شنوا	53. follow دنبال کردن - به دنبال آمدن
37. hug در آغوش گرفتن	54. location محل
38. suddenly ناگهان	55. reason دلیل
39. burst into (ناگهان) شروع به کردن	56. quantity مقدار - کمیت
40. tear گریه	57. description توصیف
41. repeatedly مکرراً	58. generate تولید کردن - ایجاد کردن
42. politely مؤدبانه	59. skim نگاهی انداختن
43. forgive عفو کردن - بخشیدن	60. collocation هم آئی
44. calmly به آرامی	61. combination ترکیب
45. diary دفتر یادداشت - دفتر خاطرات	62. sound به نظر رسیدن
46. keep a diary مدام در دفتر خاطرات نوشتن	63. on the other hand از طرف دیگر
47. reply پاسخ دادن	64. unnatural غیر طبیعی

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

65. fast food غذای سریع - غذای سریایی	82. author نویسنده - مؤلف
66. quick meal غذای سریع	83. fix تعمیر کردن - ثابت کردن
67. strong wind باد قوی (شدید)	84. discover کشف کردن
68. heavy rain باران سنگین	85. solution راه حل
69. make a mistake اشتباه کردن	86. cancer سرطان
70. do exercise ورزش کردن	87. develop توسعه یافتن (دادن) - پیشرفت کردن
71. look for به دنبال گشتن	88. invent اختراع کردن - ساختن
72. poet شاعر	89. accident تصادف
73. religious مذهبی	90. for instance برای مثال
74. mostly عمدتاً - بیشتر	91. accidentally به طور تصادفی
75. special مخصوص - ویژه	92. experiment آزمایش
76. type نوع	93. experience تجربه
77. ethics اخلاقیات	94. tool وسیله - ابزار
78. translate ترجمه کردن	95. ordinary معمولی - عادی
79. countless بی شمار - زیاد	96. tag برچسب
80. including از قبیل	97. weave بافتن
81. inspiration الهام - الهام بخش - الگو	98. elicit از زیر زبان بیرون کشیدن

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

99. agreement	توافق	116. wear	پوشیدن
100. signal	علامت دادن - نشان دادن	117. enjoyable	لذت بخش
101. uncertainty	تردید	118. do homework	انجام دادن تکلیف
102. confirm	تأیید کردن	119. result	نتیجه
103. condition	وضعیت - شرایط	120. take a rest	استراحت کردن
104. serious	جدی - خطرناک	121. rarely	به ندرت
105. think about	فکر کردن درباره ی	122. heritage	میراث
106. prefer	ترجیح دادن	123. culture	فرهنگ
107. at least	حداقل	124. proud of	راضی از - مفتخر
108. connect	وصل کردن (شدن)	125. sense of belonging	حس تعلق
109. compound	ترکیب - مرکب	126. identity	هویت
110. addition	افزایش - افزودن	127. responsibility	مسئولیت
111. get up	بلند شدن	128. role	نقش
112. contrast	مقایسه کردن - تضاد	129. rule	قانون
113. boring	کسل کننده	130. moral	اخلاق - اخلاقی
114. bored	کسل شده	131. value	بها دادن - ارزش
115. wonderful	تعجب آور	132. principle	مبنا - اصل

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

133. bring up بزرگ کردن - پرورش دادن	149. handle از عهده برآمدن - در دست گرفتن
134. willing مایل	150. knowledge دانش
135. peaceful آرام - مسالمت آمیز	151. curious کنجکاو
136. hopeful امیدوار	152. title عنوان
137. protect حفاظت کردن	153. definition توضیح
138. blessing برکت - نعمت	154. society جامعه
139. note دقت کردن	155. grateful (for) متشکر
140. hence بنابراین	156. worthy با ارزش
141. as well هم چنین	157. failure شکست
142. as well as به علاوه	158. attempt تلاش
143. share (with) در میان گذاشتن - شریک شدن تقسیم کردن	159. complete کامل کردن
144. deserve لایق بودن	160. cruel نامهربان - ظالم
145. no matter اهمیت ندارد	161. inform اطلاع دادن
146. unconditionally بی قید و شرط	162. robber دزد
147. honored سرافراز - محترم	163. draw کشیدن - جذب کردن
148. duty وظیفه	164. attend حضور یافتن - شرکت کردن

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

V3 (L2) :

165. compile گردآوری کردن	181. actually واقعا
166. magnify بزرگ کردن	182. recommend توصیه کردن
167. magnifying glass عدسی	183. design طراحی کردن
168. educated guess حدس درست	184. foreign خارجی
169. monolingual یک زبانه	185. type نوع
170. bilingual دو زبانه	186. suggest پیشنهاد کردن
171. situation وضعیت	187. suitable مناسب
172. quit رها کردن - ترک کردن	188. suppose فکر کردن - فرض کردن
173. look up دنبال کلمه گشتن - دنبال شماره تلفن گشتن	189. elementary ابتدائی
174. destroy تخریب کردن	190. intermediate میانی - متوسط
175. pronunciation تلفظ	191. advanced پیشرفته
176. synonym مترادف	192. free آزاد - رایگان
177. antonym متضاد	193. smart هوشمند
178. during در طی	194. orally شفاهی
179. wonder نمی دانم آیا... - شگفتی - تعجب کردن	195. factor عامل
180. if اگر - آیا	196. consider فکر کردن - ملاحظه کردن

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

197. avoid	اجتناب کردن	214. manage	مدیریت کردن
198. contain	محتوی بودن	215. jump into	یک مرتبه کاری کردن
199. entry	مَدخل	216. decide	تصمیم گرفتن
200. purpose	هدف	217. such as	برای مثال
201. circle	دایره - دور چیزی دایره کشیدن	218. spelling	املاء
202. symbol	سمبل - علامت	219. definition	توضیح - معنی
203. stand for	به معنی بودن	220. correctly	به درستی
204. figure out	فهمیدن	221. therefore	بنابراین
205. combination	ترکیب	222. essential	حیاتی - ضروری
206. arrangement	ترتیب - نظم	223. provide	فراهم کردن
207. particular	ویژه - خاص	224. tip	پیشنهاد - توصیه ی کوچک
208. order	نظم - دستور دادن	225. identify	شناسایی کردن
209. introduction	مقدمه - معرفی	226. section	بخش - قسمت
210. general	عمومی	227. explain	توضیح دادن
211. effectively	به طور مؤثر	228. issue	موضوع - مسئله
212. achieve	به دست آوردن	229. offer	پیشنهاد کردن - در اختیار گذاشتن
213. arrange	ترتیب دادن	230. refer	اشاره کردن - رجوع کردن

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

231. abbreviation مخفف	248. shark کوسه
232. throughout سراسر	249. the same یکسان - همان
233. confusing گیج کننده	250. nearly تقریباً
234. look for جستجو کردن	251. attack حمله کردن
235. once یک بار - وقتی که	252. average متوسط - میانگین
236. speech سخنرانی - کلام	253. compare مقایسه کردن
237. part of speech قسم کلامی - ادات سخن	254. snake مار
238. probably احتمالاً	255. familiar with آشنا با
239. origin منبع - ریشه	256. support حمایت
240. single تنها - مجرد	257. unknown ناشناخته
241. expand گسترش دادن	258. relationship ارتباط
242. highlight تأکید کردن بر	259. allow اجازه دادن
243. minor جزئی - سطحی	260. recognize تشخیص دادن
244. details جزئیات	261. related to مرتبط با
245. instead of به جای	262. complicated پیچیده - مشکل
246. entire همه	263. prefix پیشوند
247. text متن	264. suffix پسوند

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

265. increasingly به طور افزایشی	282. valuable با ارزش
266. communicative معاشرتی	283. catch گرفتن
267. communicate ارتباط برقرار کردن	284. crowded شلوغ
268. accidentally به طور تصادفی	285. take گرفتن - بردن - طول کشیدن
269. endanger به خطر انداختن	286. guy آدم - مرد
270. crop محصول کشاورزی	287. wisely عاقلانه
271. unsuccessfully بدون موفقیت	288. ostrich شترمرغ
272. disconnect قطع کردن (شدن)	289. imaginary تصوری - غیرواقعی
273. unsystematically بی قاعده	290. clue سرنخ
274. incomprehensible غیر قابل فهم	291. careful مراقب - مواظب
275. unexpectedly به طور غیر منتظره	292. opinion عقیده
276. international بین المللی	293. exclamation تعجب
277. unchangeable ثابت	294. body بدن - توده
278. publish منتشر کردن	295. while در حالی که (مقایسه)
279. according to بر طبق	296. whereas در حالی که (مقایسه)
280. take from گرفتن از	297. surround احاطه کردن
281. widely به طور گسترده	298. planet سیاره

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

299. plant گیاه	316. thus بنابراین
300. include شامل شدن	317. social اجتماعی
301. mostly عمدتاً	318. insect حشره
302. topic موضوع	319. tiny بسیار کوچک
303. respect احترام گذاشتن	320. point نکته - نقطه
304. vision بینائی - بینش	321. far away from دور از
305. fewer کم تر	322. ancient قدیمی - باستانی
306. addiction اعتیاد	323. pattern الگو - طرح
307. harmful (to) مُضر	324. available در دسترس - موجود
308. create ایجاد کردن - خلق کردن	325. web browser مرورگر وب
309. skill مهارت	326. device وسیله
310. handicraft صنایع دستی	327. term اصطلاح - واژه - مدت معین
311. ant مورچه	328. direct مستقیم - کنترل کردن
312. anthill تپه ی مورچه	329. host of information انبوهی از اطلاعات
313. hardworking سخت کوش	330. suffer from رنج بردن - تحمل کردن
314. collect جمع آوری کردن - بردن	331. magnet آهنربا
315. stick to چسبیدن به	332. convert (into) تبدیل کردن

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

333. vibration	لرزش	350. technical	تخصصی
334. transmit	انتقال دادن	351. for instance	برای مثال
335. inner ear	گوش داخلی	352. several	چندین
336. clear	آشکار - واضح	353. present	حاضر - هدیه - ارائه کردن
337. hearing loss	از دست دادن شنوایی	354. gift	هدیه
338. cause	علت - ایجاد کردن	355. exist	وجود داشتن
339. infection	عفونت	356. pajamas	پیژامه
340. middle ear	گوش میانی	357. paradise	بهشت
341. firefighter	مأمور آتش نشانی	358. dictatorial	دیکتاتوری - استبدادی
342. superhuman	ابرانسان	359. diction	طرز بیان - گفتار
343. invisible	نامرئی	360. corresponding	مرتبط
344. read mind	خواندن ذهن	361. reference	مرجع - رجوع - اشاره
345. astronaut	فضانورد	362. appear	ظاهر شدن - به نظر رسیدن
346. expression	اصطلاح - بیان - حالت چهره	363. originally	از اصل - از ابتدا
347. come from	از جایی آمدن	364. arm	بازو - شعبه - دسته (صندلی)
348. biography	زندگی نامه	365. foot	پا - پایه - پایین
349. translate	ترجمه کردن	366. organize	مرتب کردن - سازماندهی کردن

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

367. contain	محتوی بودن - شامل شدن	376. huge	عظیم
368. combine	ترکیب کردن	377. resource	منبع
369. appropriate	مناسب	378. commercial	بازرگانی - تجاری
370. colony	کولونی - گروه	379. scale	مقدار - مقیاس
371. scavenger	لاشخور - زباله گرد	380. waterway	آبراه
372. wingless	بدون بال	381. goods	کالا - اجناس
373. reproduce	تولید مثل کردن - کپی کردن	382. drought	خشکسالی
374. bite	گاز - گاز گرفتن	383. pollution	آلودگی
375. painful	دردناک	384. wildlife	حیات وحش

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

V 3 (L 3) :

385. renewable	جایگزین شونده - تجدید پذیر	401. turn off	خاموش کردن
386. power	قدرت - انرژی فراهم کردن	402. lower	کم کردن
387. times	دفعات - بارها	403. cost	هزینه - هزینه برداشتن
388. win	برنده شدن	404. dishwasher	ماشین ظرفشویی
389. experiment	آزمایش	405. save	نجات دادن - ذخیره کردن
390. solar power	انرژی خورشیدی	406. lightbulb	لامپ
391. solar panel	صفحه ی خورشیدی	407. on the way	سرراه
392. solar collector	جمع آور کننده ی خورشیدی	408. produce	تولید کردن
393. solar system	منظومه شمسی	409. fan	پنکه
394. source	منبع	410. remind	یادآوری کردن
395. hydropower	نیروی آب	411. cooling system	سیستم خنک کننده
396. running water	آب جاری	412. air conditioner	تهویه کننده هوا
397. falling water	آبی که سقوط می کند	413. clean energy	انرژی پاک
398. wind turbine	توربین بادی	414. fossil fuel	سوخت فسیلی
399. wind tower	برج بادی	415. pollute	آلوده کردن
400. convert (into)	تبدیل کردن (شدن) به	416. consume	مصرف کردن

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

417. balcony	بالکن	434. radiation	تابش
418. variety	تنوع	435. yard	حیات
419. fitness	آمادگی جسمانی - تناسب	436. material	ماده
420. tide	جزر و مد	437. shiny	درخشان
421. rise	افزایش - بالا رفتن	438. space station	ایستگاه فضایی
422. replace	جایگزین کردن - سر جای خود گذاشتن	439. take notes	یادداشت برداشتن
423. use up	کاملاً استفاده کردن	440. magic	جادوئی
424. forever	برای همیشه	441. find out	فهمیدن
425. demand	تقاضا	442. work	کار کردن - نتیجه دادن
426. absorb	جذب کردن	443. include	شامل شدن - گنجاندن
427. gradually	به تدریج	444. margin	حاشیه
428. nuclear	هسته ای	445. separate	جدا - جدا کردن
429. chemical	شیمیایی	446. general health	سلامتی عمومی
430. coal	ذغال سنگ	447. measure	اندازه گرفتن
431. nonrenewable	جایگزین نشدنی	448. heartbeat	ضربان قلب
432. gone	مصرف شده	449. proverb	ضرب المثل
433. reduce	کم کردن	450. practical	کاربردی - عملی

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

451. likelihood احتمال	468. meaningful با معنی
452. equivalent معادل	469. good at خوب در ...
453. early زود - نخستین	470. work out از آب درآمدن
454. worm کرم	471. burnt سوخته
455. goal هدف	472. dread ترسیدن
456. feather پَر	473. stone سنگ
457. flock جمع شدن - ازدحام کردن	474. waste هدر دادن - زباله
458. perfect کامل	475. consider ملاحظه کردن - در نظر گرفتن
459. spoil فاسد شدن - فاسد کردن	476. garbage زباله
460. broth نوعی سوپ	477. liquid مایع
461. hatch از تخم درآمدن	478. truck کامیون
462. sight بینائی	479. landfill محل دفن زباله
463. cooperate همکاری کردن	480. voluntary داوطلبانه
464. come up with به ذهن رسیدن - راهی پیدا کردن	481. delivery تحویل
465. lead to منجر شدن به	482. give off بیرون دادن - ساطع کردن
466. visible قابل دیدن	483. warn هشدار دادن
467. similar to شبيه به	484. principal مدیر

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

485. obey	اطاعت کردن	502. namely	به نام
486. rule	قانون	503. conclude	نتیجه گرفتن
487. global	جهانی	504. cross	عبور کردن - قطع کردن
488. global warming	گرمایش جهانی	505. strange	عجیب
489. die out	منقرض شدن	506. joint	مفصل
490. mention	ذکر کردن - اشاره کردن	507. racehorse	اسب مسابقه
491. give back	پس دادن	508. favorite	محبوب
492. come on	پالا - زود باش!	509. subject	موضوع
493. great	بزرگ - زیاد	510. distance	فاصله
494. flew	گذشته ی fly (پرواز کردن)	511. herd	گله - توده
495. fantastic	فوق العاده - محشر	512. stable	اسطبل
496. sauce	سس	513. run	دویدن - راه انداختن - اداره کردن
497. spend	گذراندن - خرج کردن	514. require	نیاز داشتن
498. sing	آواز خواندن	515. load	بار - بار کردن
499. apply for	تقاضا کردن	516. live up to	زندگی کردن تا ...
500. pay a check	پرداختن چک	517. unscramble	مرتب کردن
501. component	جزء - قسمت	518. in order of	به ترتیب

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

519. consist of تشکیل شدن از	536. lend (lent) قرض دادن
520. revolve چرخیدن	537. lie (lay) دراز کشیدن
521. fill پر کردن	538. shoot (shot) شلیک کردن
522. in short به طور خلاصه	539. shut بستن
523. supply تأمین کردن	540. sink (sank) غرق شدن
524. client موکل - مشتری	541. steal (stole) دزدیدن
525. upset نگران - نگران کردن	542. throw (threw) پرتاب کردن
526. document مدرک - سند	543. ministry وزارت
527. remember به یاد سپردن - به یاد آوردن	544. faculty دانشکده
528. apologize عذرخواهی کردن	545. republic جمهوری
529. scan به دقت دیدن	546. gasoline بنزین
530. bleed (bled) خون ریزی کردن	547. remote دور
531. broadcast پخش کردن	548. wheel چرخ
532. hang (hung) آویختن	549. run the motor راه انداختن موتور
533. hold (held) ظرفیت داشتن - نگه داشتن برگزار کردن	550. run the TV راه انداختن تلویزیون
534. hit ضربه زدن	551. regular منظم - معمول
535. hurt آسیب رساندن	552. roll به کار رفتن - چرخیدن

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

553. portable	قابل حمل	567. digest	هضم کردن - فهمیدن
554. device	وسیله	568. fond	علاقه مند
555. deal with	سروکار داشتن با - از عهده برآمدن	569. disability	معلولیت
556. gadget	وسیله	570. constantly	دائماً
557. plug	پریز	571. continent	قاره
558. outlet	خروجی	572. community	جامعه - اجتماع
559. vacuum cleaner	جاروبرقی	573. local	محلی
560. overcome	غلبه کردن	574. other than	به جای
561. benefit	سود - مزیت	575. fall asleep	به خواب رفتن
562. meet	ملاقات کردن - برآوردن	576. get a score	نمره گرفتن
563. economy	اقتصاد - صرفه جویی	577. alternative	جایگزین
564. charge	شارژ کردن	578. veggies	سبزیجات
565. odd one out	متفاوت از بقیه	579. charity	خیریه
566. odd	عجیب		

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

Vision 2 : (L 1)

580. holy مقدس	595. native بومی
581. sign language زبان علامت	596. range متغیر بودن - گسترش یافتن
582. extra اضافی	597. popular محبوب - عامه پسند - عمومی
583. keep off خودداری کردن - دوری کردن	598. percent درصد
584. frequently مکرراً	599. imagine تصور کردن
585. surf موج - موج سواری کردن	600. meet the needs نیازها را برآوردن
586. surf the net گشتن در اینترنت	601. by means of به وسیله ی
587. host جمعیت انبوه - میزبان - مجری برنامه میزبان بودن	602. society جامعه
588. interview مصاحبه کردن	603. vary متغیر بودن
589. besides به علاوه	604. make up تشکیل دادن
590. fluently با روانی - با فصاحت	605. despite با وجود
591. experience تجربه	606. each other یکدیگر
592. absolutely مطلقاً - کاملاً	607. surprising تعجب آور
593. mother tongue زبان مادری	608. endangered در خطر - در معرض انقراض
594. region ناحیه	609. amazing حیرت انگیز - تعجب آور

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

610. means روش - وسیله	627. hint نشانه - اشاره - توصیه
611. no matter اهمیتی ندارد	628. additional اضافی
612. matter ماده - اهمیت داشتن	629. manner روش - نحوه ی رفتار
613. specific خاص - ویژه	630. take a picture عکس گرفتن
614. step گام - اقدام	631. at last سرانجام
615. through از طریق - به وسیله ی	632. plenty فراوان
616. exchange مبادله کردن	633. delirious هیجان زده
617. knowledge دانش	634. worship پرستیدن
618. belong (to) متعلق بودن به	635. whisper پچ پچ کردن
619. fortunately خوشبختانه	636. stare زل زدن - خیره شدن
620. luckily خوشبختانه	637. label برچسب
621. disappear ناپدید شدن	638. item مورد - چیز
622. uncountable غیر قابل شمارش	639. make sure مطمئن شدن
623. loaf قرص نان	640. escape فرار کردن
624. piece قطعه - تکه	641. confident مطمئن
625. peace آرامش - صلح	642. media رسانه های گروهی
626. at least حداقل	643. belief اعتقاد

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

644. greatly	خیلی
645. blank	نانوشته - خالی
646. appropriate	مناسب

V 2 (L 2) :

647. higher education	تحصیلات عالی	659. prevent	جلوگیری کردن
648. hang out (with)	بیرون رفتن با - پرسه زدن	660. behave	رفتار کردن
649. rarely	به ندرت	661. however	با این وجود - اما
650. couch potato	خوره ی تلویزیون	662. certain	مطمئن - مشخص
651. a bit	یه ذره	663. pay attention to	توجه کردن به
652. gain	به دست آوردن	664. junk food	هله هوله
653. diet	رژیم غذایی	665. gain weight	چاق شدن
654. serving	پُرس	666. sadly	متأسفانه
655. addiction	اعتیاد	667. relative	فامیل
656. calm	آرام	668. busy (with)	گرفتار
657. balanced	متعادل	669. take away	کم کردن - پائین آوردن
658. recent	اخیر	670. pray	عبادت کردن

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

671. decrease کاهش دادن (یافتن)	688. attend حضور یافتن
672. predict پیش بینی کردن	689. social events رویداد های اجتماعی
673. discuss بحث کردن	690. secret راز
674. unimportant بی اهمیت	691. stage مرحله
675. incorrect نادرست	692. early stage مرحله ی اولیه
676. dislike دوست نداشتن	693. retire بازنشسته شدن
677. midday وسط روز	694. fire service آتش نشانی
678. disagree مخالف بودن	695. exciting هیجان آور
679. unsafe نامطمئن	696. mission مأموریت - رسالت
680. reality واقعیت	697. for sure مطمئناً
681. incomplete ناقص	698. call back دوباره تماس گرفتن
682. disorder اختلال - بی نظمی	699. give up ترک کردن - رها کردن
683. replay دوباره بازی کردن - دوباره اجرا کردن	700. grow up بزرگ شدن
684. homeless بی خانه	701. hurry up عجله کردن
685. invitation دعوت	702. turn off خاموش کردن
686. influence تأثیر گذاشتن روی	703. washing machine ماشین لباس شویی
687. properly به طور مناسب	704. wake up بیدار شدن (کردن)

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

705. series سریال - مجموعه	722. unhealthy ناسالم
706. watch out ! مواظب باش	723. homemade خانگی
707. go away ترک کردن	724. dish ظرف - غذا
708. get away دور شدن - فرار کردن	725. serious جدی - خطرناک
709. turn around برگشتن - چرخیدن	726. enable قادر ساختن
710. notice توجه - آگهی - اعلامیه	727. miracle معجزه
711. forbid ممنوع کردن	728. nervous نگران
712. keep on ادامه دادن	729. harm آسیب - آسیب رساندن
713. recreational تفریحی	730. brain مغز
714. sailing قایقرانی	731. various مختلف
715. confuse گیج کردن	732. in particular به خصوص
716. confuse with اشتباه گرفتن با	733. socialize (with) معاشرت کردن (با)
717. hiking پیاده روی	734. depressed افسرده
718. against در برابر - علیه	735. impatient بی حوصله
719. tired of خسته از	736. specialist متخصص
720. bored with کسل شده از	737. avoid اجتناب کردن از
721. rush با عجله رفتن	738. amount مقدار - میزان

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

739. wellness سلامتی	746. press فشار دادن - اتو کردن
740. indirect غیر مستقیم	747. look out مراقب بودن
741. redo دوباره انجام دادن	748. thank for تشکر کردن به خاطر
742. pressure فشار	749. flat مسطح - صاف
743. mineral ماده ی معدنی	750. flat tire لاستیک پنچر
744. thought افکار - ملاحظه	751. mind فکر - ذهن - اهمیت دادن
745. ahead جلو - پیش	

V 2 (L 3) :

752. sociable معاشرتی - اجتماعی	760. hopeful امیدوار
753. craft صنایع دستی	761. depend on وابسته بودن به
754. artworks کارهای هنری	762. touching تأثیر انگیز
755. tilework کاشی کاری	763. discount تخفیف
756. calligraphy خوشنویسی - خطاطی	764. workshop کارگاه
757. pottery سفال گری	765. well done أحسننت !
758. cheerful بشاش	766. appreciate قدردانی کردن - درک کردن
759. uncertain نامطمئن	767. booklet جزوه

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

768. decorative ترئینی	785. ugly زشت
769. vast پهناور - وسیع	786. satisfied راضی
770. craftsperson صنعت کار	787. frightened ترسیده
771. metal فلز	788. surprised متعجب
772. unique منحصر به فرد	789. take part in شرکت کردن در
773. diversity تنوع	790. intonation آهنگ (جمله)
774. custom رسم	791. attempt تلاش
775. traditional سنتی	792. catch the bus با اتوبوس رفتن
776. identity هویت	793. fortunate خوشبخت
777. reflect منعکس کردن - نشان دادن - عمیقاً فکر کردن	794. get along (with) کنار آمدن (با)
778. human kind انسان	795. object چیز - شی
779. skillful ماهر	796. greet احوال پرسى کردن
780. souvenir سوغات	797. shake hands دست دادن با
781. quite کاملاً - نسبتاً	798. bow خم شدن
782. moral اخلاقی	799. palm کف دست
783. take a part نقشی را به عهده گرفتن	800. shared beliefs اعتقادات مشترک
784. former قبلی	801. attitude نگرش

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

802. simply به سادگی - فقط	807. transportation حمل و نقل
803. accept پذیرفتن	808. pass an exam قبول شدن
804. respectful مؤدب	809. essay انشاء
805. miss از دست دادن - دل‌تنگ شدن	810. market بازار
806. public عمومی	

Vision 1 : (L 1)

811. heaven آسمان - بهشت	821. schedule جدول برنامه ها - برنامه
812. variation تنوع	822. irregular بی قاعده
813. verily واقعاً	823. low mountain کوه کم ارتفاع
814. prospect امید - چشم انداز	824. give information دادن اطلاعات
815. put out (آتش) خاموش کردن	825. go on a trip به سفر رفتن
816. injured مجروح	826. zookeeper مأمور مراقبت از حیوانات
817. plain دشت - جلگه	827. based on بر مبنای
818. anymore دیگر	828. span مدت - دوره
819. hopefully به طرز امیدوارانه	829. life span طول عمر
820. hunt شکار کردن	

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

V 1 (L 2) :

830. go around چرخیدن	846. less کم تر
831. get around پخش شدن - منتشر شدن	847. the worst بدترین
832. observatory رصد خانه	848. the least کم ترین
833. orbit چرخیدن - مدار	849. farther دورتر - بیشتر
834. rocky سنگی - ناهموار	850. describe توصیف کردن
835. ring حلقه	851. quality کیفیت - ویژگی
836. drop قطره	852. neat مرتب - حسابی - محشر
837. blood cell سلول خونی	853. arrow فلش
838. do exercise ورزش کردن	854. element عنصر
839. microbe میکروب	855. nationality ملیت
840. defend دفاع کردن	856. look at نگاه کردن به
841. donate اهدا کردن	857. organ عضو
842. plasma پلازما	858. bacteria باکتری ها
843. comparative مقایسه ای - نسبی	859. viruses ویروس ها
844. brave شجاع	860. on one's own به تنهایی
845. worse بدتر	861. cheap ارزان

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

V 1 (L 3) :

862. cradle گهواره	877. work on کار کردن روی
863. grave گور - قبر	878. antibiotic آنتی بیوتیک
864. seek (sought) جستجو کردن	879. narrate روایت کردن
865. medicine دارو - پزشکی	880. background پس زمینه
866. do experiment آزمایش کردن	881. make the noise سروصدا کردن
867. energetic پرانرژی	882. kitty بچه گربه
868. rapidly به سرعت	883. take a taxi تاکسی گرفتن
869. do research تحقیق کردن	884. careless بی دقت
870. invent اختراع کردن	885. emphasis تأکید
871. gain دستاورد	886. express بیان کردن
872. to be after دنبال چیزی بودن	887. state وضعیت - حالت - بیان کردن
873. key to کلید	889. sense حس
874. recite با صدای بلند و شمرده خواندن - تلاوت کردن	890. put aside کنار گذاشتن
875. Holy Quran قرآن مجید	891. ashamed شرمنده
876. pass away از دنیا رفتن - فوت کردن	892. personality شخصیت

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

893. snow heavily	برف سنگین باریدن
894. have fun	خوش گذشتن
895. have a good time	خوش گذشتن

V 1 (L 4) :

896. make the creation	خلق کردن	908. entertainment	تفریح - سرگرمی
897. attraction	جاذبه - جذابیت	915. embassy	سفارت
898. destination	مقصد	916. polite to	مودب با
899. to be located	واقع شدن	917. good image	تصویر خوب
900. pilgrim	زائر	918. obligation	اجبار
901. historical site	مکان تاریخی	919. possibility	احتمال
902. shrine	مکان مقدس	920. pattern	الگو
903. travel agency	آژانس مسافرتی	921. take medicine	دارو خوردن
904. hospitable	مهمان دوست	922. contrast	مقایسه کردن
905. pyramid	هرم	923. rudely	بی ادبانه
906. desert	صحرا - بیابان	924. patiently	صبورانه
907. ancient	قدیمی - باستانی	925. probably	احتمالاً

ب - کمپلکس 900 دکتر جابری

926. late دیر	931. main اصلی - عمده
927. lately اخیراً	932. phrase عبارت
928. generous بخشنده	933. baggage اثاث
929. prepare آماده کردن	934. activity فعالیت
930. exactly دقیقاً	

AKO
گروه مشاوره و برنامهریزی آکو